

چنین برنامه‌هایی را از قبل میدانستند به افشارگری برنامه‌های ساختگی و مردم فریب آن پرداخته و آنرا رسوا کردند. روحانیت نیز پس از سالها دوری از صحنه سیاست بعثت فعالیت بعضی از جناح‌های سیاسی مذهبی نظیر نهضت آزادی ایران و نیز روشن بی‌نی مدودوی از روحانیون مترقی نظیر آیت‌الله خمینی برای مبارزه با فساد و نشت نشانده‌ی آشکار رژیم موجود قدم به عرصه مبارزه گذاشتند و با روشن کردن قشرهای مذهبی دامنه مبارزه را وسیعتر نمودند. رژیم ارتجاعی که میدید در چنین جو سیاسی متحرک و با موج عظیم مخالفان نمیتواند برنامه‌های خود را اجرا نماید لذا همزمان با عنوان نمودن انقلاب سفید در تهران رهبران نهضت آزادی و جبهه ملی و عده زیادی از دانشجویان مبارز را دستگیر و زندانی نموده و در قم با حمله وحشیانه به مدرسه فیضیه عده‌ای از روحانیون جوان و مترقی را مضروب و مجروح نموده عده بیشماری را دستگیر و زندانی ساخت و چون با همه این فجایع نظر خود را تأمین‌ندید در ۱۵ خرداد ۴۲ و در هنگامی که احساسات مذهبی و ضد رژیم توده‌های مذهبی به اوج خود رسیده بود نسبت به کشتار وحشیانه و ناجوانمردانه مردم بیدفاع در تهران و چند شهر بزرگ ایران زد و بدنبال آن دستگیریهایی وسیعی را شروع کرد. این وقایع آخرین تردید مبارزین ایران را در دست بردن به اسلحه و قهر مسلحانه از میان برد. مسأله‌ای که از این پس مطرح بود چگونگی انجام این هدف بود. از این پس جامعه ایران شاهد رویی مداوم گروه‌های مسلح مبارزی بود که قصد داشتند از طریق انقلاب مسلحانه رژیم حاکم را که مانع پیشرفت و تکامل خلق ایران است واژگون کنند. ترور حسنعلی منصور عامل تصویب مجدد قرارداد ننگین کاپیتولسیون یا مصونیت قضائی مستشاران امریکائی و بدنبال آن شهادت چهار نفر بخاطر این مسأله، کشف حزب اتحاد ملل اسلامی و گروه بیژن جزینی، گروه فلسطین، گروه نجف‌زاده، گروه طوفان، گروه آرمان خلق سازمان چریکهای فدائی خلق (که به گروه سیاهکل معروف شده‌اند) مجبیه آزادیبخش خلق سازمان رها نیبخش خلق (سرخ) سازمان مجاهدین خلق و دهها گروه دیگری که در یکسال اخیر کشف شده و تعدادی از افراد آنها دستگیر شده‌اند و گروه‌های زیادی که هنوز کشف نشده‌اند و مشغول فعالیتند همه و همه نشانه اوج گیری انقلاب مسلحانه در کشور ماست. اگر سطح مبارزه در سال ۴۰ را با سال ۵۰ مقایسه کنیم به عظمت راهی که مبارزه خلق ما در این ده سال پیوده پی میبریم. ده سال پیش حد اکثر فعالیت رهبران سیاسی آنزمان صدی اعلامیه و تقاضای اعاده حقوق ملت از طبقه حاکمه بود که با تودهنی و زندان و

افسران و درجه داران بیازینستسته در راس این قسمت‌ها در صد جلوگیری از اعتراضات و مخالفت‌های اغراضی بیرون آمده با شناسایی افراد فعال و مبارز و اخراج و دستگیری آنها هر گونه مخالفتی را در نطفه خفه مینمایند.

۵ - تقویت تعدید پبلیسی و سایر اوج جهت کشف و سرکوبی گروه‌های مبارز و در صورت مقاومت کشتار و بیرحمانه آنان و بالاخره سرکوبی کسانی که با وضع کنونی سر به اعتراض برداشته اند. کشتار ناجوانمردانه و بیرحمانه جلادان ساواک در یک سال اخیر، کشتار نارگران جیت جیان که بحاضر اضافه مستمزد اعتماد نموده بودند. حمله به دانشگاه و مضروب و مجروح نمودن دانشجویان و حتی استادان جوان دستگیری‌های وسیع مخالفین اعم از اساتذ دانشگاه، عربوچانیون، مدانشجویان، کارگران، دهقانان و کارمندان و غیره. محکومیت‌های طولانی مدت و متعاقب آن شکنجه‌ها و اعدام‌ها و ۰۰۰ همه اینها حاشی از این است که تضاد منافع بین رژیم حاکم و ملت ایران چنان عمیق است که برای نجات و حفظ خود چاره‌ای چیز بسزای نیست. و شست‌عمل بر ایرانی‌هاقی نموده است. آخرین مسائله‌ای که به آن اشاره میکنیم مسائله شکنجه است. شکنجه شدید منتهین سیاسی در ایران امنیتی اعم از پبلیسی و ساواک، مبارزین پس از دستگیری با وحدتانه ترین شیوه خاطر خود هستند. سوزاندن ساواک‌های برقی، بویک‌های برقی، کشتن باخس منتهین و غیره در ایران بسیار برده بسیار شکنجه‌های دیگر که از گفتن بعضی از آنها شرم دارم. آقایان با ایران و آقایان دانشتان، اگر اداره دادرسی ارتش در خدمت منافع طبقه حاکمه نیست چرا فقط انقلابیون بسا که کشته میشوند و تیرباران میگردند؟ چرا ماده ۱۴۱ که طوق آزادی شکنجه جهت گرفتن اعتراض‌چوم است و اگر منهم در ریر شکنجه بچیرد شکنجه تر قاتل محسوب میشود بچوم اجرا گذاشته نمیشود. آیا شما از شکنجه‌های ما خبر دارید؟ آیا نمیدانید که عباسی مفتاحی را ۱۵ روز متوالی تحت شکنجه فرار دادند؟ آیا نمیدانید که منصور احمدزاده، اسفیر بدیع زادگان، همایون کنیرائی و چند نفر دیگر و اعدیدنا سوزاندند؟ آیا نمیدانید که بسیاری از منتهین در اثر عدت‌صربات وارده شنوائی خود را از دست دادند، و بیانشکنجه در مورد عده‌ای منجر به شکنستن استخوان‌های دست و پا و صورت آنها شده است؟ هنوز آثار شکنجه در بدن‌ها از بین نرفته است. بالاخره آیا نمیدانید که بهروز دهقانی در ریر شکنجه دژخیمان ناجوانمردو قاتل رژیم بسه شهادت رسید؟ آیا از علت شهادت آیت‌له سعیدی که در اثر شکنجه شهید عد خیر ندادند ما از رژیم ضد خلقی و دست نندانه ایران انتظاری جز این نداریم. این را گفتیم که

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

هما بدانید برای چه کسانی خدمت میکنید. البته خلق ایران خائنین را مهیناسند و سزای این جنایات را داده و میدهند « و سيملم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون » (ستمگران بزودی خواهند دانست که چگونه آنها را زیر و زیر میکنیم) قرآن .

از آنچه در دادگاه گذشت:

مبارزین سازمان مجاهدین خلق ایران در دادگاه خود را تبعه خلق ایران معرفی کردند. وقتی شغل آنها پرسیده شد جواب دادند « مجاهد » .

★ ★ ★

در دادگاه گروه اول از سازمان مجاهدین خلق ایران، پس از اتمام اعلام رای در همانجا کتک مفصلی به مبارزین زدند که چرا اینچنین از خود دفاع کرده اند. چون ایشان از دادن تقاضای تجدید نظر خودداری کرده بودند ۴ روز مداوم تحت شکنجه قرار گرفتند تا اینکه اولاً تقاضای تجدید نظر کنند و ثانیاً آنچه را که ساواک بآنها دیکته کرده بازگو کنند. این مجاهدین جان بر کف سخت مقاومت کردند و بالاخره ساواک از جانب خودش، یعنی داستانی ارتعس برای ایشان تقاضای تجدید نظر کرده است .

★ ★ ★

ناصر صادی در پایان دادگاه خطاب به رئیس گفت اگر دادگاه علنی است مدافعات ما را بدهید مطبوعات چاپ کنند، رئیس دادگاه میگوید ارباب چرا باید اینجا حضور دارند و اگر بخواهند چاپ میکنند خبرنگاران گفته بودند چون در مدافعات بمقام سلطنت اهلست آنرا چاپ نمیکنیم . ناصر صادی دفاعیات خود را به وکیل سوئسی داده بود که بعد از پایان دادگاه ما مورین ساواک او را بازوسی کرده دفاعیات را از او گرفتند .

★ ★ ★

چهارمباروز محکوم به اعدام از سازمان مجاهدین خلق در دادگاه اعلام همبستگی با سایر گروهها را نمودند و سفارش کردند که این اولین قدم برای تشکیل جبهه متحد میباشد. درود به فرزندان خلق که تا دم مرگ لحظه ای از پیشبرد انقلاب غافل نیستند .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قبل از وارد شدن به حرفهای اصلی چند نکته هست که باید تذکر دهم. اولاً مهندس لطفی بهیچو استادیار دانشگاه پهلوی برخلاف آنچه در کیفرخواست آمده در فلسطین دوره ندیده است. ایشان با پاسپورت معمولی چهار الی پنج روز برای ترجمه مذاکرات ما به بیروت آمدند. در بعضی از مذاکرات که سری بود من خودم ترجمه میکردم و ایشان حاضر نداشتند. مساله راجع به اسلحه و انبار مهمات که در اجاره رسمی مهندس فیروزیان بود در حقیقت ارتباطی با او نداشت و متعلق به من بود. من در اینبار تقاضا کردم که ناصر صادق و محمد حنیف نژاد برای شهادت به دادگاه آورده شوند که راکد مانده. در مورد ربودن هواپیما و مجازات درخواستی هیچ قانونی نیست چون من بعنوان يك دانشجوی حقوق میدانم که ماده عطف بماسبق نمیشود. در مورد مهندسی غرضی باید بگویم که اولین بار است که ایشان را میبینم و نمیدانم ایشان چطور به کیفرخواست مربوط داده شده است. در مورد اسلحه و مسلسل، قسمتی از گفته های مقام امنیتی که بیشتر مرا عصبانی کرد راجع به ژست تبلیغاتی و بیرون رفتن اوز برای خرید اسلحه است. من ارز خارج کردم و مملکت را فروختم یا شما؟ این هتلاها کاباره ها و کازینوها مال کومت؟ اگر خودش ندز دیده پس پدرش دزد دیده. باری شما بهتر میدانید. ناصر صادق سوار موتور بود و من دوچرخه داشتم. این رولز رویرها را چه کسی سوار میشود؟ چه کسانی در بانکهای سویس پول رویم انباشته میکنند؟ بعضی از مطبوعات حقایق را چاپ میکنند. در مجله امریکائی NATION فتوکوبی چکها چاپ شده است. آقای رئیس! کریستین دیور در پاریس لباسهای چه کسی را می دوزد؟ برای ضیافت های شب از لاهه گل سفارش میدهند. مصرف کنیاك و شامپانی که از خارج برای وزارت خارجه سفارش داده میشود سر بفلک میزند. آقای دانستان میگوید دادگاه علنی است. علنی یعنی اینکه وقتی در روزنامه ای گفته های آقای دانستان را چاپ میکنند جوابهای مسعود رجوی را هم کنار آن چاپ کنند. فقط کسانی حقوقود باین دادگاه را دارند که اجازه مخصوص از سازمان امنیت داشته باشند. در روزنامه

چرا نوشتند که ما رویه اشتراکی داریم و وقتی که توضیح میدهیم میگویند اشتباه لفظی بود. تازه همین دادگاه را هم بخاطر چشم و ابروی ما تشکیل ندادند. اوج گرفتن جنبش خلق مجبورشان کرد. رادیو عراق اسامی ما را گفت و فیلسوف فرانسوی ژان پل سارتر تقاضای شرکت در دادگاه ما را کرد. الفتح اعلامیه مخصوص انتشار داد و اعتراض

های گوناگون دیگری شد. پس منافعتان ایجاب می‌کند است که همین دادگاه را هم برای ما بگذارند... ما با کلوله معامله می‌کنیم همانطور که با فرسیو کردیم.....

من هفده سال درس خوانده‌ام و با نیاز خود مطالعه کرده‌ام و میدانم که تقاضای ما قانونی است در کيفرخواست آمده است که ما عین یائی که آنجا بوده مرده است کو اسمی؟ کو مدعی خصوصی؟ کو محل اقامت او؟ می‌گویند ۵ ملیون تومان از بانک پول گرفته شده است. اگر دادگاه علنی می‌بود می‌بایست محمد حنیف نژاد و اصرر بدیع زادگان صحبت می‌کردند. چرا حنیف نژاد بنیادگذار گروه در اینجا نیست؟...

منکه حرف می‌زنم می‌خواهم حرفم شنونده داشته باشد. مکرر صحبت برادران ما را قطع می‌کنند. ما از رژیم بهی از اینها انتظار نداریم. حالا وارد اصل مطلب می‌شویم: یکی از آثار مهم دوره رضا شاه، یعنی شروع دوره دیکتاتوری محکم‌شاه و پیشه رجال واقعی و مومن و مہین پرست است. در جنگ داشتن سلاح مهم است ولی انسان مہم تر است. رژیم رجال کفو را با جذب کرد یا عوض نمود با آنها را خرید و با از کار برکنارشان کرد، و با کت من و دوستانم از فرزندان دکتر مدق هستیم که به پول و مقام پست پا زده ایم ولی مستوفی الممالک‌هایی هم بودند که مثل فکخواه خریدار شدند. اینها بعنوان نصیحت‌بما گفتند که «ما تا چانه در گل هستیم مواظب باشید تا فرق سرتان در گل نرود» آنها می‌گفتند که تا فرق سر و چانه در گل رفتند بعدا خیلی تاسف خوردند که از طرف مردم نسرورد به سینه‌هاشان خورد. آقای داستان اگر دلجان می‌خواهد می‌توانند گوی نکنند ولی بدانند که ایشان ما مورد هستند ولی معدود نیستند. مواظب باشید فردا وضعتان از اینهم بدتر نشود. هیچکس پشت سر سہیبند آرموده صلوات نفرستاد.

داستان اعتراض کرد و گفت از باطن و ظاهر من حرفی نزنید.

..... رژیم اجبارا و برای ادامه حیات لباس عوض کرده است اصلاحات ارضی و دادن سهام کارخانجات بعنوان پشتوانه به فقودالها ایشان را بهی از بهی متنعم کچیرده است. در واقع با این کار می‌خواستند جوژوا بازی در آورند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد جوژوا بازی مد روز بود... بسیاری از کارخانه‌ها ورشکست و کارگران اخراج شدند... جهان سوم میدان تاخت و تاز سرمایه داری کشورهای بزرگ شد.

گفته‌ی فساد اداری، رشوه خواری و بدبختی مردم از طرف هیات حاکمه اعمال می‌شود... احتیاج به توضیح ندارد. زاغه‌ها و حیر آباد تهران را ببینید. جواد...

نازی آباد را ببینید. مردم فقیر اگر بیمار شوند مجبورند و محکومند پشت در بیمارستان جان بپهارند.

طبق گزارش روزنامه اطلاعات که ارگان بازگو کننده خدمات مسعودیهاست هشت سالن انتظار به بیماری برخواستند که ۵ روز با انتظار پزشکی مانده بود. بیمارها بدبختی را دیدند که مقابل بیمارستانهای سینا و امیر اعلم بدر پیاده روی پله ها و کنار دیوارها با انتظار نشسته بودند و در مواجهه شان شتابی چشم نمیکشود. مرد سرطانی روزها در انتظار اشعه ایکس پشت در میماند. این گفته روزنامه ایست که سر سردگانی از فرمانبرداران نوکر صفت رژیم هستند. در روستاها استشماردولتی جایگزین استشمار مالک عده است. انبوه خوبی نشین ها چیزی بجز قرضایشان را ندانند که از دست بدهند. همین هاست که آمادگی انقلابی بوجود می آورند. روستاییان وضعاً بدتر و بدتر میشود. تنها راه مبارزه راه انقلاب مسلحانه توده های باقی میماند. - داستان صحبت را قطع میکند: چون دادگاه علنی است از اختیارات قانونی خود سوء استفاده میکنند و مطالب را تحریف و بمقدسات اهانته میکنند.

- رجوی: آقا دادگاه رئیس دارد. مگر نوبت شاست که حرف میزنید؟ دفاعیات ما همه در رفع اتهامات مذکوره است. بقول خودتان جلسه علنی است. مگر ما حرف منافی اخلاق زده ایم؟

- داستان: اگر ادامه دهید تقاضای سری بودن دادگاه را خواهم کرد.

.....

این دادگاه امشب با فردا شب تمام میشود. امشب با فردا شب آخرین شب ماست اگر اعدام نفوس لاقابل به حبس ابد محکوم خواهیم شد. رفقای من بعزت قلت وقت دفاعی ما که فقط نهم ساعت است بعد از من دنباله متن دفاعیه را در موارد سیاسی، اقتصادی، کشاورزی و تاریخچه سازمان و توضیحات راجع انقلابیون ادامه خواهند داد. مسلماً این اطلاعات کافی نخواهد بود. چون وقت ما اجازه بیشتر از این را نمیدهد. در این دفاعیه به علت منظورات زمانی و مکانی (تا آنجا که عرفانمان اجازه میدهد) حتی المقدور از بردن اسامی و ذکر تواریخ خود داری خواهیم کرد. محمود عسکریزاده، مهندس بهمن بازگانی، و مهندس علی باکری بعد از من همه چیزها را میگویند. ساله اساسی سیاست خارجی ماست. به عامل بدبختی اشاره شده. عامل بدبختی من و شما بدبختی همه خلق ما مهربانیم بهمن المللی است. عروسلهائی در اینطور و

آنور دنیا سرکارند که اگر به خوششان بودند يك لحظه روی پایشان بند نبودند. کافر کی، ملک حسین، ملک فیصل، بنده يك لحظه هم اسم رژیم را نمی آوردیم. این روزها يك فریب بزرگ، بخاطر حفظ تجاوز عمومی علیه ناموس کلمات وجود دارد. کلماتی از قبیل تساوی صلح و سازش، کمک کشورهای بزرگ به کشورهای کوچک و کلماتی از قبیل صلح بین المللی، تفاهم و سازش متقابل کشورها و کمک کشورهای قدرتمند به ضعیف که در نوشته‌های رسمی سازمان ملل آمده است وسیله‌ای برای حفظ نظم موجوده که در واقع چیزی جز تجاوز عمومی نیست شده است. اینها همه دروغ است. نه صلح، نه سازش، و نه تفاهم هیچکدام مطرح نیست بیا، نه خود را بفریبیم نه دیگران را. امروز در دنیا دو جناح وجود دارد. دريك طرف محرومین، گرسنگان، آوارگان فلسطینی و مبارزان وجود دارند و در سرف دیگر اغنیاء، صاحبان ناباک فانتوم و جاه نقت ماشینها جنگی و کارخانجات عظیم. بین اینها هیچ رابطه، هیچ تفاهم مطرح نیست.

ما باینکه در طرف اول قرار داریم افتخار میکنیم. ما بجرم خود افتخار میکنیم. ما به اینکه دست در دست چریکها برای نابود کردن امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه میکنیم افتخار میکنیم. به غیر از سبورد یا تسلیم راه دیگری وجود ندارد یا نبرد است مثل فلسطین مجین و بیتنام و یا اسارت مثل خودمان. باید تدرک بدهم که این تناقض ما بوس کننده نیست. انسان بدون گرفتاری تصفیه نمیشود. روی سختم به پدر و مادرهایی است که فرزندان اسیرند. این فلسفه هستیست. وجود آنها از بین خواهد رفت ولی صبح نزدیک است باید تحمل کرد.

از آغاز سده جدید ۸۰۰ میلیون در چین و ۳۰۰ میلیون در شوروی آزاد شدند. در خاور میانه و امریکا لاتین غوغاست. امروز در تهران بانك میزنند سفیر ایالات متحده در امریکا لاتین اعدام میشود، اعتصابات کارگری اسپانیا را فلج کرده است. نهایت این درگیریها ایجاد جامعه جدید است. سلطه امپریالیسم اشکال گوناگون دارد. یکی از آنها سلطه سیاسی است. یعنی پرچم زدن و مستمره کردن. طریق دیگر سلطه اقتصادی است. در این سیستم مسر رشته امور اقتصادی در اختیار اجنبی قرار میگردد.

زیو بنا در رو بنا موثر است. این رو بنای سیاسی تحت تاثیر زهر بنای اقتصادی است. نمیشود منافع نفت "یک کشور" را تاراج کنند ولی انسان، حرف نزنند. انسان وقتی چیزی نداشته باشد با چنگ و ناخن و دندان حساب طرف را میبرد. پس باید مردم را فریب داد. باید مردم را به انواع مختلف ساکت کرد. دزدی بازی، کلاه بازی، کلاه بازی

و اگر نقد با ساواک و تبره‌اران و از این قبیل امروز داستان و ما هر دو به «حق» استناد می‌کنیم. آقای داستان می‌گویند صادره بانک و سرت‌بر خلاف قرآن است. می‌پرسم کدام قرآن؟ قرآن را عوضی نشان داده‌اند چون منافی منافعتان بود و نمودن استند آنرا از بین ببرند عوض کردند. در قرآن آمده که هر کسی تا آنجا مالک شیعی است که خود برای آن زحمت کشیده باشد. این چیزی است که مارکیسم و سوسیالیسم انقلابی هم می‌گوید و ما تا آنجا مخالفتی نداریم. حال بعقب برگردیم و عملکرد کارمان را ببینیم. ببینیم تاریخ چه می‌گوید. تاریخ استقرار سلطه خارجی در ایران از بی کفایتی اولیای امور شروع شده است. در قرن گذشته روس و انگلیس آمدند و ایران را تقسیم کردند. عده‌ای از رجال طرفدار روس بودند و عده‌ای طرفدار انگلیس؛ یک قرضه بانک روس منتشر می‌کرد، یک قرضه بانک انگلیس. در ۱۹۰۷ که این قرارداد ننگین بسته شد ایران به دو قسمت تقسیم شد. بعد از انقلاب اکتبر تمام امتیازات استعماری نزارها از بین رفت. دولت شوروی بانک و پولها را تعویض کرد و رفت. تنها انگلیسها ماندند. با انقلاب سوسیالیستی خطر بر داشتن اختلافات با آنها حس شد و انگلیس ایران را پایگاهی علیه اولین دولت شوروا قرار داد و آنرا از لحاظ استراتژیکی مقدم بر هند شمرد. همزمان با اولین استخراجات نفت ایران، کودتا سوم اسفند را ترتیب دادند. نفت ایران بقدری برای انگلیس حیاتی بود که دیدیم با بسته شدن کانال سوئز لیره انگلیس سقوط کرد. بقول صدق فقیه طرحی که انگلستان اجرا کرد خیلی ماهرانه بود. اولاً تشکیل ایران واحد یعنی سرکوب قدرتهاى محلی مانند شیخ خزعل و جنگل (که تجربه تاریخی گرانیهایی برای ملت ایران است) و از بین بردن اسماعیل آقا در آذربایجان. باین ترتیب اساسی حکومت مقتدر ریخته شد. حکومت مقتدر برای حفظ سلطه انگلیس. حکومتی که فایده آن بعد از شهریور ۲۰ روشن شد. بعد از سرکوبی های لازم بعد از تبدیل مجلس به یک مجلس بی اراده و ایجاد ثبات لازم، بالاخره در سال ۱۳۱۲ ساله اصلی نفت مصرح شد و قرار داد ۱۹۳۳ بسته شد. مثل پارسا اول تبلیغات و مراغانی و متینک بود و بعد امضای تقی زاده پای قرار داد ننگینی که توسط دکتر صدق لغو شد. این قرارداد دو هدف اصلی داشت. اولاً مدت قرارداد تمدید شد یعنی به مدت قرار داد داری که ۲۰ سال بود ۳۰ سال اضافه شد. ثانیاً برای مقابله با ساله استقلال طلبی عراق که ممکن بود باعث جنبش مردم شود. طبق این قرار داد اگر وضع عراق عوض میشد منافع انگلیس ثابت میماند. از این

سالها میگذشت. در شهریور ۲۰ تمام ایران زیر سلطه خارجی رفت. بعضی از افسرها با چادر رفتند و ایران فقط ۳ ساعت نوام آورد. جنگد و مهنوز تمام نشد بود که طرح تجزیه ایران این بازبوسیله انگلیس و آمریکا ریخته شد و دولت شوروی آن زمان بسرعت طرح را رد کرد. این قرار است توسط دولت حکیمی شد. آیا وقتیکه نخست وزیر ایران طرح تجزیه کشور خود را بریزد ماحق نداری بگوئیم که تابع ملت و خلق ایران هستیم. نه دولت ایران؟ این طرح با مجاهدات طاقت فرسای مصدق رد شد. تا آنده خود شریک فشار نباشد نمی فهمد فشار یعنی چه تهدید یعنی چه. وقتی این طرح رد شد معاون وزارت خارجه شوروی در مورد امتیازات نفت گفتگوهای بعمل آورد. چون دولت شوروی جوان بود و از دولت انگلیس وحشت داشت و از طرفی دولت انگلیس بخاطر امتیازات نفت خود در جنوب حاضر به معاملاتی در باره نفت مناطق شمالی بود. برای همین امر نخست وزیر وقت ساعد به سفیر روس وعده‌هایی داد بود. ولی ملیون بیکار نشسته و با کوششی زیاد ماده گذراندند که ضمن آن جلوی سلطه شوروی گرفته شد و آن هر گونه امتیازی بهر نحوی مسکوت گذاشته شد و بموافقت بعدی مجلس موکول گشت. با اینهمه امپریالیسم از جان ملت فقیر دست برنداشت و در سال ۳۲۹ رزم آرا را از ستاد ارتش به کرسی نخست وزیری نشانده. رزم آرا را لباس ظاهر فریب خود مختاری ولایات در امور داخلی این لایحه را بمجلس برد. وظیفه دیگر این خون آشام این بود که لایحه مربوط به نفت را بمجلس برساند. باز هم ملیون که رهبری آنها را کتر مصدق بعهده داشت پس از مشاجرات و مباحثات و زحمتهای زیاد توانستند آنرا در رنطفه خفیه کنند و جلوی سلطه خارجی را بگیرند. قرار داد منتفی شد. سپهبد رزم آرا بانتقام بازی کردن با سرنوشت ملت بقتل رسید.

برگردیم به نفت - اوضاع داخلی مملکت بعلمت رشد سیاسی مردم تب و تاب دیگری داشت. بعد از شهریور ۲۰ مصدق نفت را تبدیل به یک شعار و انگیزه ملی کرد. صفوف مردم را متشکل و شعله‌ها را فروزان تر ساخت. بعد از مجلس ۱۵ نمایندگان واقعا مجاهدت کردند. شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس که در واقع نماینده دولت انگلیس بود از تطمیع نمایندگان گرفته تاحیس آزاد یخواهان از هیچ چیز فرونگد ارنکرد. حتی طرح آنچه که امروز "اصلاحات ارضی" است در آن زمان بوسیله تقسیم املاک سلطنتی ریخته شد. مساله ظاهر فریب تقسیم املاک سلطنتی برای فراموش کردن مساله نفت از آن‌ها طرح شده بود. با اینهمه نفت همچنان در مرکز افکار مردم بود.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نان در تهران قحط شد. سرانجام اراده خلق راه خود را پیش برد و در ۱۳۲۹ نفت ملی شد.

آنروز طعم پیروزی مردم چشیده شد. بعد از آن روزهای پرافتخار دیگری در پیش بود. پیروزی بر انگلیس در مورد نفت و دیگر روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ روز تجلی اراده خلق بود. آنروز خلق بر ننگ تسلیم پیروز شد. البته در آن روزهای طلایی بسیار خواهیم داشت. باید گفت که مشروطه برای مدت محدودی در وام آورد. در ۲۸۰۰۰ (که سال و ماه آن را نمیگویم) مشروطیت بخاک سپرده شد. شکست نهضت بحکم تاریخ ضرورت داشت. احتیاجی نیست که من سیاست دولت مصدق را روشن کنم. او نمیخواست هیچ سلطه‌ای بر کشور ما برقرار باشد. از نظر اقتصاد اولین و آخرین بود چه متعادل را تقدیم به مجلس کرد. برای اولین بار صدارت با واردات برابری میکرد. بهر حال آن روزگرم تابستان به سیاهی و سردی تبدیل شد.

وضع سیاست خارجی تبدیل شکل داد. از ابتدا ای قرن اخیر بعزت ناپس مان بودن وضع اقتصاد و مبارزات ایدئولوژیک مخصوصاً "انقلاب کبیر" آگاهی سیاسی مردم جهان بالا رفت. و جنگ تجاوزگاران که صرفاً بخاطر منافع استعمار بود به این امر کمک زیادی کرد. در این جنگ کمرد و امپریالیسم غدار شکسته شد انگلیس و فرانسه. الجزایر و ویتنام آزاد شدند. در مستعمرات هر روز جنبش تازه‌ای در می‌گرفت و ضرب المثلهای "آفتاب هرگز در مستعمرات انگلستان غروب نمیکند" و "هر جا موجی باشد ساحلش انگلستان است" از بین رفت. بقول یک انقلابی بعد از جنگ آنچه باقی میماند در مجموع بطور کلی بنفع نیروهای مترقی است. خود جنگ‌افروزها بیشتر از جنگ هراس دارند علت بکار نبردن جنگ ترس از تلفات نیست چیزی دیگری است.

در پایان جنگ امپریالیسم ناجوانمرد دیگری بروز کرد و قدم در راه انگلیس گذاشت. این کشور استعمار طلب ایالات متحده آمریکا بود که اکنون در رویتنام برای کائوکی سینه میزند و در مالکد یگروشتییان ارتجاع است. در ایران (بعنی می‌گویند راجع به آمریکا نگو!) کار بجائی کشید که آمریکا طلب سهم خود را می‌کند. تمام سهم نفت عربستان سعودی را بخود اختصاص داد. بود و در مورد ایران هم نقشه مشابهی داشت. این بود که مسائل به آن روز کشید که نباید بکشد. ابتدا اشواتسکف بایران آمد و بعد شاهزاده خانم ایرانی و . . . زاهدی و شعبان جعفری با هم کودتا

کردند. د یکتانوری نظامی د وباره باشدت بیشتر اده یافت. شکنجه و تیسر ساران قهرمانان آغاز شد. د کتر حسین قاطعی با. ۴ د رجه تب بعد از تحمل شکنجه های طاف فرسای پای چویه د اربره شد. کریه پور شیرازی زنده زنده سوخته شد. روز ۵ از قهرمانان شرافتمند تیرباران شد. از این پس سیل مستشاران از ایالات متحده به بایران سرازیر شد. تمام کک های خارجی بجز تجاوز چیزی نبود. یکی از آقایان د اد رسان خوابیده است (خنده حضار)

بهر حال از نظر اقتصادی بیزوی وارادت ۷ برابر صاد رات شد. تحت تاثیر سلاطه خارجی تورم ارزی ایجاد شد بطوریکه د ۱۳۳۶ ریال بنحو چشمگیری تنزل کرد ولسی د لار بالا رفت.

رئیس د اد گاه: به کیفر خواست مربوط نیست.

... وقتی آنها از آسیاب افتاد و مخالفین سرکوب شدند یک مجلس فرمایشی تشکیل شد گونی گونی شناسنامه ها پدید میشدند بدون آنکه شمرده شوند. قرار اد معروف ۵-۵-۵ پرازوعد ه های تو خالی و خیلی چیزهای د یگره بعد از تصویب این فراراد اد در مجلس فرمایشی وقت تمام بافته های نهضت ملی پنبه شد. باز جریان نفت پیشست د رهای بسته کشیده شد. چراکه د ریشت د رهای بسته بهتر میشود خیانت کرد. د رجرائد صحبت از رهبری خرد مند انه بود. رنوس مهم این فراراد اد: اولاً بخاطر سر فریب مردم ایران ملی شدن نفت را برسمیت شناختند. عین شیرینی یال و دم یک بیکت نفت ساختند که بگویند مظهر این ملت است. ثانیاً آمدند اد ا ره امور اکتشاف و استخراج را از کسرسیوم جد ا کردند. شرکت اکتشاف و استخراج د ر عوض شرکت هائی که کسرسیوم از آنها تشکیل شده بود شروع بکار کرد. شرکت های تشکیل د دهند کسرسیوم شرکت های تجاری بودند که د ر هلند طبق قوانین هلند با سرمایه ۱۰۰ هزار لیره ثبت رسیده بودند. د ر این شرکت ها تقسیم سهام باین ترتیب بود: ۴۰٪ شرکت های مختلف آمریکائی ۴۰٪ انگلیس ۱۴٪ فرانسه و بقیه هلند. سهم ایران از نفت ۱٪ قیمت تعیین شده اعلام شد. از نظر مالیات طبق قانون مالیات برد رآمد ۵۰٪ بعنوان مالیات به دولت د اده میشد و کسرسیوم ۵۰٪ بقیه را صاحب میشد. تاسیسات خطی که از قصر شیرین شروع و به بلوچستان ختم میشود بایران تعلق گرفت. د ر مقابل وظائفی بعهد د دولت ایران گذارد شده. اولاً انجام خدمات فرعی وابسته به نفت (ساختن بیمارستان نانوائی پرد اخت بیمه کارکران) و مخارجی که قبلاً بعهد د شرکت نفت سابق بود. ثانیاً پخش نفت د ر ایران که همیشه به ضرر شرکت نفت تمام شده است.

که همیشه به ضرر شرکت نفت تمام شده است. ناآلنا اداره نفت شاه تابحال سبب استعمار انگلیس بود و حالا برادر بزرگش آمریکا هم وارد میشد و در کنارشان فرانسه و هلند که همه مستجمعی علیه منافع این مملکت اقدام کنند. در مورد سهم ایران که $\frac{1}{3}$ یعنی ۱۲/۵٪ قیمت اعلام شده بود طبق قانون ۵۰-۵۰ آنرا در پنجاه درصد سود گنجانند یعنی سهم مالیات ۳۲/۵ در صد میشد. باین ترتیب کلاه بزرگی بر سر ملت ایران گذاشتند. مهمتر از همه قیمت اعلام شده نفت ۲/۱۲ دلار بود که سهم ایران را بر اساس ۱/۲۹ دلار حساب میکردند. بعد از غوغای بیلباعی ایران نازه سهم ایران شد ۱۲/۵ یعنی رسیدیم به قبل از سال ۳۱. علاوه بر اینها فرار شد که ۱۲٪ بهره مالکانه و ۷۵٪ تحفیف قانونی نسبت به قیمت نفت با ایران تعلق بگیرد که ۷۵٪ را دارد. بعد از سقوط لیره انگلیس، ایران بابت سهم خود چند میلیون دلار ضرر کرد که نمیدادند و بالاخره دادند. البته رسیدگی به دفترها را معلوم نیست چه کسی انجام داده است ما چه میدانیم که کارشناسان و مستشاران چقدر حقوق میگیرند. چون موضوع به کیفر حواست مربوط نیست! وقتی صبح روز رادگاه به آم خبر محاکمه را میدهند اینسوری میشود.

اکنون نفت ایران با سرعت بیشتر به غارت میرود. میخواهند قبل از پایان قرار داد ثروت خلق را بتاراج بدهند. ذخائر نفت ایران در سال ۱۹۸۲ بی پایان خواهد رسید کل تولید نفت ایران ۲۲۲ میلیون تن است. حساب کنید بهر کس چقدر میرسد. کل درآمد از هر تن نفت ایران برای ایران ۱/۳ دلار از ۱۰ دلار بوده است. همین نفت در بازار اروپا ۱۴ دلار بفرویش میرسد. اگر مخارج نفت را برای هر تن ۴ دلار بگیریم ۱۸۲۵ میلیون دلار یعنی ۱۴/۴ میلیارد تومان تزییع میشود. آقای داسنان این ارقام را حساب کنید نه ارزی را که برای مسائلهای ما که این همه از آنها عکس گرفته اید خارج میشود اشاره میکنیم به جریانات پارسان نفت، چه جنجالی در باره پیروزی ایران در اوک بر با عدد. الان با عدد ثابت میکنم که چه بدست آمده است. قیمت نفت بطور کلی ۳۳ سنت در هر بشکه افزایش یافته است و مالیات سود ویژه از ۵۰٪ به ۵۵٪ افزایش یافته است. اولاً بر اثر جنگ ویتنام، بر اثر توهم که بصورت بمب روی مردم ویتنام ریخته میشود یا ۲۰٪ افزایش برای توهم پول پذیرفته است. در فاصله ۱۰ سال بین دو قیمت گذاری ۶ دلار ۲۲٪ کاهش یافته است. اگر میخواستند قیمت را ثابت نگه دارند باید قیمت بشکه را ۵۴ سنت اضافه میکردند. این سیر قهقراست نه ترقی. لیبی سهم

خود را از ۲/۰۸ دلار میرساند به ۳/۱۵ دلار. طبق آمار بین‌المللی، تودم واقعی سالانه ۷۹٪ است در حالیکه روزنامه‌های ایران آنرا ۳/۵٪ گزارش میدهند (اطلاعات و کهبان) روی سخن ما به خبرنگاران نیست. ما میدانیم کار از جای دیگری خراب است در لیبی دولت در کلیه مراحل تولید شرکت دارد. در ایران این مساله هنوز حل نشده است لیبی قرارداد ۵ ساله را بشرطی قبول کرد که کمپانی‌ها پول را از کشور خارج نکنند و دوباره در لیبی سرمایه گذاری کنند. در ایران بر عکس عمل میشود. با این همه اجزای مهم ایران دو میلیارد است ولی آنرا چطور خرج میکنند. یک میلیارد در شرکت نفت خرج میشود. دختر سناتوری را میشناسم که سه ماه از شرکت نفت پول میگردد یک مقدار بچیب‌سازمان برنامه و مستشاران میرود. پروژه ساختمان سد دز که سازمان برنامه بآن مفتخر است با دستگاه‌های الکترونیک ساخته شده است و بکار می‌افتد و کارشناسان آن اغلب خارجی با حقوق سرسام آوری مشغول بکار هستند. حتی وسائل تعمیر این ماشین‌ها در ایران موجود نیست. اگر یکی از این دستگاه‌ها از کار بیفتد یا باید آنرا عوض کنند و یا ببرند خارج تعمیر کنند. نتیجهٔ سد را که برق است سرمایه‌داری بنام هاشم نراقی با کمک خارجی‌ها ب مردم میفروشد و سولن را بچیب‌سازمان دکتور مصدق فقید بیاری مردم برای گذاراندن طرح ملی شدن نفت روی کار آمد. برای اجرای همین قانون بود که مردم حکومت را به مصدق سپردند و این تنها حکومت قانونی بود که در ایران بوجود آمد...

رئیس‌پس از نیم ساعت تنفس: دادگاه به شما در جهت رفع اتهام گوش میکند. ... از ۲۸ مرداد و از کنترا بعدش میگدریم. بعد از این جریانات دست‌چپا و لپرا غلط ایران باز میشود. عوائد نفت تا آخرین دلار صرف تهیه اسلحه و مهمات و حقوق مستشاران خارجی میشود. صدها ملیون دلار به جیب شرکت‌های خارجی میرود. "آرامش" مدیر سازمان برنامه در سال ۱۳۳۹ در روزنامه اعلام کرد که صدها ملیون دلار بعنوان مختلف حیف و میل شده است و عده داده شده بود که ایران با پول نفت بهشت میشود. اما میبینیم ملت ایران هر روز فقیر و فقیر تر میشود. در جواب اعتصاب کارگران کوره یز خانه ۲۰۰ نفر کشته شدند. در اعتصابات معلمین دکتور خانعلی کشته و عده دیگری مجروح شدند. قاتلین مردم ارتقا درجه یافتند. قاتل خانعلی بریاست شهربانی یکی از شهرستانها منصوب شده. معلمین و کوره یزچی‌ها فقط اضافه حقوق میخواستند. وقتی رژیم جواب خواسته‌های قانونی مردم را اینطور میدهد آیا میشود ساکت نشست و

در سال ۱۳۳۶ قانون تشکیل ساواک از مجلس گنشت. ساواک مامور حفظ امنیت و مبارزه با مخالفین شد. قبل از روی کار آمدن دکتر امینی اختناق بعدی بود که هر آن احتمال انفجار مهفت. دکتر امینی در زمان صدارت خود گفت خزانه را برده اند. جابده اند. سپید کیا، رئیس شهرستانی علوی مقدم و دکتر اقبال قرار بود به محاکمه خوانده شوند. دکتر اقبال ۲۴ ساعت قبل از دستگیری کشور را ترک کرد و در مراجع قضائی دادگستری اتهام اوزدوده شد. دکتر اقبال برگشت و در بزرگترین مقام انتصاب کشور قرار گرفت. اتهام میزنند و پس میگیرند. کار مملکت حساب ندارد.

دکتر امینی میآید حبسه ملی و نهضت آزادی فعالین میادند مجلس ۲۰ را می بندند و دکتر امینی می رود حبسه ملی کنار می رود. دانشگاه حواستار کب اجازه تشکیل اتحادیه صنفی میشود. خواسته های دانشجویان رد میشود. رئیس دانشگاه دکتر فرهاد استعفا میدهد. دولتها میآیند و میروند و سرنیزه برجا و استوار مهماند. برای مبارزه با این خفقان عمومی روحانیتیکه ۵۰ سال کنار کشیده بود وارد صحنه شد. در قم عروشی بپا شد. طلبه ها به پلیس حمله کردند و دو نفر کشته شدند. تحریک همه گیر میشود روحانی اعتراض میکند با زاری اعتراض میکند، دانشجویان اعتراض میکند در نتیجه واقعه ۱۵ خرداد روی میدهد. بعد از ۱۵ خرداد ۴۲، حنیف نژاد و سعید محسن و بدیع زادگان معتقد میشوند که با منطق و دلیل نمیتوان حق را گرفت اینها به نهج البلاغه استناد میکنند که باید حق را گرفت. روز ۱۶ آذر باز دانشجویان اعتصاب کردند. از این بیعد مرتب گروه هایی با ایدئولوژی انقلاب مسلحانه بوجود می آید. منصور نور میشود، بیژن جزئی گروهی تشکیل میدهد. باک نژاد گروه فلسطین را تشکیل میدهد. اتهام میزنند که این گروه ها با بختیار ارتباط دارند. ما بختیار را جزو رژیم میدانیم و اختلاف او را با رژیم قبول نداریم. از گروه طوفان ۴۰ نفر را می کشتند. گروه آرمان خلق کشف میشود. در زندان نزل ولیم ناصر مدنی، ناصر کریمی و بهرام طاهرزاده اعدام میشوند.

اواخر سال ۴۹ و در سال ۵۰ گروهی چریکی بنام چریکهای فدائی خلق که تحت عنوان سیاهکل شناخته شدند وارد گود میشوند که فعالیت های آنها هنوز ادامه دارد. «سازمان مجاهدین خلق» و «سازمان رهائی بخش خلق» که به عراق چپانده شدند کشف میشود و ده ها گروه دیگر که انشا اله کشف نشده اند. اینها نشان میدهد که وضع

صوری است که راه دیگری وجود ندارد. حرف اول فقر و ده نفر نیست. صدها مهندس که چارک چپالت با آنها تسجید در این راه اند. مهندس هوشمند ماهی ۱۶۰۹۰ تومان حقوق میگیرد پس ساله شخصی نیست. در سال ۴۰ حد اکثر اعلامیه پخش میکردند ولی امروز در سال ۵۰ مسلسل بدست میگیرند. موج مبارزات خاموشی نگرفته بلکه شدیدتر هم شده است. کف یک گروه نباید باعث ناراحتی بشود. پیروزی ساده و زود بدست نمی آید حضرت علی میگوید: «خداوند هیچگاه گردنکشان روزگار را خود نابود نمیکند. به آنها مهلت میدهد که اگر بر نگردند بیشتر فرو روند و مردم را اجرا کننده عدل الهی می کند.» «خداوند استخوان هیچ ملتی پیوند نمیدهد و استحکام نمیبخشد مگر بعد از سختی ها و گرفتاری ها.» «خطبه آوردم که نگویند اسلام را ملعبه نست خود قرار داده است از ریختن خون یک نفر صدها نفر مثل او بر میخیزند. سال ۱۳۵۰ سر آغاز این مبارزه است. سالی است که مبارزین ملت، مبارزات مسلحانه و جنگهای توده‌ای در روستاها را تنها راه نجات میدهند. ویتنام، فلسطین و امریکای لاتین چنین راهی را انتخاب کرده اند. گروه «سياهکل» با دادن ۳۲ شهید و ۶ محکوم به اعدام [تا آنوقت و تا حدی که رجوی اطلاع داشته] و ده ها زندانی پيشاهنگ این راه بزرگ بوده است. بموازات اوج گیری مبارزه و پیدایی گروه‌های مسلح، رژیم بیخ‌ریز پیوسته بدامان بیگانه شده است. دست‌سرمایه داران بیخ‌ریز هر موقع در ایران باز است و با تشویق و تضمین سرمایه گذاران در توسعه صنعتی و معدنی و کشاورزی، ایران را بهشت سرمایه گذاری خوانده و آنها را بخاطر حفظ منافع کنونی‌شان بنگهداری رژیم کنونی تشویق میکند. باین‌جود حراج ثروتهای ملی کشور و بهره کشی از منابع انسانی چه نامی میشود داد؟ پیوند طبیعی کشورهای که دارای زمینهای مادی و فرهنگی مشابهی هستند مثل کشور ما و فلسطین باعث ایجاد زمینهای مشترک انقلابی میشود و برای همین است که رژیم ایران از تاثیر انقلاب فلسطین و نهضت آزادیخواه در سواحل و شیخ نشین ها در مملکت ما میترسد و میکوشد بصورت پایگاهی مطمئن بر ضد این جنبی‌ها وبصورت زاندارم منطقه ای درآید... در سیستان و در فارس و در زابل حمام ها دو ماه دو ماه تعطیل است. مردم بچه هایشان را میفروشند. فقر و گرسنگی حدود ۵۰۰ هزار نفر را از سیستان فراری داده است. می بینیم که بوجه دفاعی کشور به ۴۴٪ افزایش یافته است. (۲۲٪ اضافه شده است). با ترویج فساد سرمایه داری غرب و اشاعه افکار لائالی گری از طریق انتشارات و مطبوعات کثیفی مانند زن روز و اطلاعات هفتگی و

ایجاد کاخ‌های جوانان که با ظاهر آراسته‌شان هجای بالا بردن سطح دانشی، هرزگی را رواج مدهند. جوانان ما را از پرداختن به مسائل اصلی و مبتلا به خود و جامعه باز میدارند. نصف برنام‌های رادیو تلویزیون در باره روابط دختر و پسر است. بجای آموزش علم معشق به مدرک را رواج مدهند. روزی چندین هزار مدرک صادر میکنند. جهت ایجاد روحیه یاس و از خودباختگی خفقان جدید اعمال میکنند. ساواک ملیونها پول در اختیار دارد. برای دستگیری من ۵۰ اتوموبیل مرا تعقیب میکردند. برای دانشگاه کادر مسلح میگذارند. در ادارات هیچ کارمندی بدون پر کردن پرسشنامه‌های عریض و طویل ساواک استخدام نمیشود و هزار مثال دیگر. هر کجا برویم با ساواک سر و کار داریم. اسران بسیار نشسته را رئیس حفاظت کارخانه‌ها و ادارات و دانشگاه‌ها میکنند. کارگر روزی ۹ ساعت کار میکند و تا لب با اعتراض باز کند کتک و شکنجه نمیبی میخورد. در شهرها شاهد مکالمه نماینده بازرسی شاهنشاهی با کارگر کارخانه سیمان فارس بودم. از کارگر سوال کردند خانه داری؟ رادیو و تلویزیون داری؟ گفت ندارم. به زندان دورداد حواله‌ای کردند.

به پلیس و ساواک در پیدا کردن گروه‌های مبارزین اختیار تام داده‌اند. آقای ساقی رئیس زندان قزل قلعه میگوید همانطور که تا بحال گوسفند میکشید با آنها رفتار کنید... کارگران جهان چیت که بر! از اضافه حقوق اعتصاب کرده بودند در کاروانسرا سنگی به مسلسل بسته شدند ۱۲ گفت دادند. در اردیبهشت اسما ل به دانشگاه آریامهر و دانشگاه تهران و حتی به استادان حمله کردند. ده نفر از دانشجویان را که مشغول بازی شطرنج بودند بدون هیچگونه مجوزی بازداشت کردند و آنها هم متقابلا اعتصاب غذا کردند. آیت‌الله طالقانی به زابل تبسود شد. محکومیت‌های طویل‌المده در انتظار دارندگان کتب متضاد با منافع رژیم حاکم ایران است. رژیم چاره‌ای جز شدت عمل ندارد. این نشانه احتضار اوست. متهمین سیاسی در ساواک و اطلاعات شهربانی با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها روبرو می‌شوند. طبق ماده ۱۳۱ هر کدام از ما مورین منہمی را برای گرفتن اقرار شکنجه بدنند مسئولند. اگر شکنجه به‌مرکب بیانجامد ما مود قاتل محسوب میشود... سوزاندن با اجاق برقی، کشیدن ناخن، شلاق سیمی، استعمال بطری، تجاوز و انواع دیگر شکنجه‌ها از طرق معمولی اقرار گرفتن مبر شکنجه‌گاه‌های ساواک است. محمود

احمد زاده دو ماه در بیمارستان بستری بود و بارها عملی کردند. او از شکنجه باطوم و ریختن اسید چنان موسخت که نهایتاً داشت. بهروز دهقانی زیر شکنجه شهید شد. شدت ضربات به حنیف نژاد بقدری بود که استخوانهای پا و دست و دماغ و گوش او شکسته شد. عده‌ای از متهمین شنوائی خود را از دست دادند... شما تحمل شنیدن اظهارات ما را ندارید. ما از رؤسای این انتقاری نداریم. با مید روزی که ملت خائنین را به دادگاه بکشاند. مرکب امریکا و امپریالیسم. درود به مردانی که رنج انقلاب را تحمل کردند.



از آنچه در دادگاه گذشت



ناصر مادی: ما راه حل غیر مسالمت آمیز دست بردن به اسلحه را انتخاب کردیم.



علی مهبندوست: همینجا اگر اسلحه داشتیم داستان را بخاطر بیعدالتیهای میکشتم.



مسعود رجوی: ما سلاحها را برای عناصر پلیدی مثل شما آماده کرده بودیم.



وکول مدافع تسخیری متهمین یک تا چهار گفت: اینها کتب مارکستی را بخاطر رد رویه مارکسیسم مطالعه میکرده اند...

مادی حرف او را قطع کرده گفت: درست است که ما مسلمانیم و مطالعات اسلامی داریم ولی به مارکسیسم بعنوان یک مکتب متوقی اجتماعی احترام میگذاریم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

- بعنوان آخرین دفاع، با توجه به نزاکت دادگاه، میتوانم مطالب خود را بیان کنم.
- آنچه متهم اول اظهار داشت مورد تأیید بنده است.

- اظهارات متهم اول را کنار بگذارید و اگر مطلب تازه‌ای دارید بگوئید.

- ما اظهارات دانستان را تحمل کردیم، شما هم به حرفهای ما گوش کنید. ما خود را به عراق نفروخته‌ایم. آقای دانستان، بقول برشت: «آنکس که حقیقت را نمانداند، نادان است ولی آنکس که حقیقت را میدانند می‌پوشاند تبهار است» آقای دانستان، شما کاسه از آس داغتر هستید. من شما حق میدهم که با بزنجیر کشیدن ما موقعیت خود را مستحکم کنید. به ستاره‌هایی که به شانه هائشان زده‌اید نگاه کنید. از خون جوانان وطن رنگ گرفته‌است در مورد بعضی از اتهامات وارده در کبفر خواست چون آقای ناصر صادق به بعضی از آنها اشاره کرد بخاطر تنگی وقت توضیح بیشتری نمیدهم در مورد مهمترین اتهام ناروایی که مقام امنیتی بما زده است یعنی تماس با عراق. حرفهایی دارم که میزنم. تماس ما با خارج در دو جبهه صورت گرفته است. یکی تماس با مقاومت فلسطین که چون سازمانی ضد امپریالیسم است و بخاطر تجارب انقلابی میتوانم موثر واقع شود. بمنظور گرداندن تعلیمات پارتیزانی مورد استفاده قرار گرفته است و دیگر در مورد سازمان کفدراسیون که پیوندی است بر علیه دشمن واحد.

اتهام رابطه با عراق نیز تهمت سیاسی است. ما با دولت عراق هیچ تماسی نداختمیم و به‌هیچوجه تعهد سپردن و قول همکاری در میان نبوده‌است. براساس ما بعد از نشاندن هواپیما در عراق مورد سوءظن قرار گرفتند. بعد از آن فرود اجباراً مدت کوتاهی در آنجا توقف کردند و سپس به پایگاه فتح در لبنان رفتند. در کبفر خواست معلوم نیست که اگر ما تعهد داده‌ایم در عوض چه امتیازی گرفته‌ایم. مگر بما آنچه داده‌اند؟ تعلیمات داده‌اند؟ کدریک؟ ما بعلمت دانش را بعهده حسی از خاک عراق عبور نکردیم بلکه دور زدیم. میتوانستیم از مرز ایران وارد عراق شویم ولی ایران، دبی، بهرروت و عمان را دور زدیم که از خاک عراق عبور نکرده باشیم. در کبفر خواست صحبت از گرفتن کمک‌عده است. ما نه از عراق و نه از هیچ منبع دیگری کمک دریافت نکردیم. هیچ سندی در این باره به دادگاه داده نشده است. من در عمان بودم و کلیه سلاح‌ها و مهمات را از قاچاقچیان خریداری میکردم و احتیاجی بکمک عراق نبود. ما این قبیل تلافی‌مذبحانه را اقدامی بمنظور درهم کوبیدن اتحاد خلق

ایران میدانیم . در کیفرخواست آمده که ما از بازاری ها پول گرفته ایم و با آن اسلحه خریده ایم . همانطور که برادر من ناصر صادق توضیح داد پول اسلحه اکثرا توسط کمیته مرکزی تامین شده بود . ماهی ۳ هزار تومان بودجه این کار بوده است . این پولها بوسیله بدیع زادگان ، باکری ، ناصر صادق و حنیف نواد تهیه میشد . حنیف نواد چون دوستانی را در بازار داشت که بر پاک بودن او واقف بودند و میدانستند که این پولها را صرف مبارزه میکند و او را قبول داشتند اگر پول میخواست در اختیار می گذاشتند . مسئله پول در کیفرخواست زیاد بزرگ شده در حالی که شاید فقط چند هزار تومان صرف خرید اسلحه شده باشد . در مورد تعداد اسلحه و مهمات هم اغراق شده مثلا گفته اند ما ۵۰۰ نارنجک داشتیم . در حالی که ۹۰ نارنجک بیشتر نداشتیم . گفتند بدیع زادگان چهار اسلحه کمری و چهار مسلسل با خود آورده بود . من که ندیدم . در مورد مطالب دیگر کیفرخواست توضیح نمیدم .

ما و کسانی نظیر ما وقتی در چنین دادگاهی قرار میگیریم معمولا دو نوع می توانیم از خود دفاع کنیم . دفاع حقوقی و دفاع ایدئولوژیک ... در بازجویی خواستند بگوئیم چه عواملی باعث شده ما باین جا کشانده شده ایم . ما پاک ترین جوانهای این ملت هستیم . می گویند شما که میتوانید صاحب مقام و منصب شوید، مرفه باشید همرا میخواهید تا آخر عمر در زندان بپسوسید، یا مقابل جوجه آتشی قرار گیرید؟ روشن شدن این مطلب حتی برای داستان میتواند مفید باشد . دادگاه واقعی از نظر مسا دادگاه عدل الهی است .

وقتی تاریخ ایران را ورق بزنیم هیچ دیده ای را نمیتوان یافت که خلق ما بزرگ رفتن حق خود در مقابل حکومت استعمار ساکت نبسته باشد . هر ساله عده زیادی رابه محاکمه میکنند و محکوم میکنند . امروز نوبت ماست که بعنوان نویسنده محاکمه می شویم . توطئه گر واقعی ما هستیم یا اینهایی که ما را به محاکمه کشیده اند . در ماه گذشته فعالیتهای انقلابیون شامل انفجار و کشتار و شهادت انقلابی بوده است سال گذشته ۱۳ نفر از افراد گروه سیاهکل اعدام شدند (تا آنجا که بازگانی مطلع شده) معلمین و کارگران حرکت واحد و دانشجویان دانشگاه اعتصاب کرده اند . همین تازه آغاز کار است . هیچ توطئه ای موفق به فرونشاندن کامل شعله های آزادیخواهی نشده است . با گفتن این مسائل باید توضیح بدهم چرا اینطور است . چرا تاریخ معاصر با خون جوانان رنگین میشود ؟ چرا گروه های مهاجم پیوسته رشد میکنند؟ چرا

این فرزندان بخلی در کار رهائی خلق هستند. اینها اگر بخواهند بقول خودتان از همه چیز برخوردار شوند میتوانند ولی چرا اینطور بی باکانه روانه زندان میگرددند و یا در مقابل جوخه آتش فرار میگیرند. علم الاجتماع انقلابی بهمه این سوالات جواب میدهد زیرا این علم الاجتماع در صدد یافتن علت و معلول است. من آنطور که از حرفهای آقای داستان استنباط کردم نمیخواهند مسائل را بشکافند و علت اصلی را پیدا کنند. بعلاوه آنها توطئه میزنند و تقاضای اعدام میکنند. او از خودش نمیبرد که این جوانان چرا باین راه کشیده شده اند و آیا منحق دارم برای آنها تقاضای اعدام کنم؟ علم الاجتماع انقلابی توانسته است بر مبنای تخصصی "علت موجب معلول است" باین سوال جواب بدهد. جامعه شناسی انقلابی میگوید زیر بنای هر جامعه اگر جامعه استثماری باشد قطعا مبتنی بر استثمار سابقه زحمتکشی است. اگر رابطه مرابطه استثمار بردگی باشد طبقه زحمتکشی برده است و الی آخر ... بنا بر این تنها ضابطه تعیین کننده در یک جامعه اوضاع اقتصادی آن جامعه است. اقتصاد و روابط تولیدی رلهده دارد. در حال حاضر روابط امپریالیستی و سرمایه داری بر جهان حکمفرماست. مواد اولیه از کشورهای استثمار شونده خارج و با سود فراوان بخود آن کشورها باز گردانده میشوند. مدعا ملیارد دلار خرج صنایع نظامی و جنگی میشود. مهمترین امتیاز انسان بر حیوان اینست که انسان با کارش دنیای خارج را تغییر میدهد و با این تغییر صفات انسانی او تغییر میابد و حاصل آن حفظ بقا و تکامل خود و اجتماع است. اگر جامعه طوری باشد که یک عدم کار کنند و یک عده دیگر از دسترنج آنها استفاده کنند جامعه به هیچ جا نمیرسد. بهره کشی انسان از انسان خیانت به سرنوشت بشریت است و اقمیات عینی و شکل استثمار در تاریخ متفاوت بوده است ولی عدت آن تغییر نکرده است. بهره کشی ارباب از رعیت و سرمایه دار از کارگر فقط اسمی رژیم را عوض می کند. در قرآن آمده است که " نه بحق دیگران تجاوز کنید و نه بپذیرید که بشمای تجاوز شود" شبکه عریض و طویل بانکها که اساسان بر رباخواری است و هزارا مایل مثل فرمانفرمایان معلوم و ایلقانان تمام منابع جامعه را بخود اختصاص داده اند و تمام ثروتها را نزد خود انباشته اند. موسسات انتفاعی چاره ندارند جز اینکه با بهره بیشتری بپردازند یا تعطیل شوند. این پولها در کاباره ها بهشت میزهای قمار و سالنهای رقص و اماکن دیگر خرج میشوند.

از همین جاست که مجالس فرمایشی و قلبی تاسیس میشود و از فرهنگ و هنر جز

یک پوسته تو خالی چیز دیگر باقی نماند. کتب گمراه کننده و توجیه کننده و عمال و خائنه‌نی چون مصباح زاده و مسعودی‌ها و ... هستند که با انتشاراتی چون زندروز و توفیق باعثر و راج فساد میشوند. خلاصه اینکه در جامعه‌ای که زیر بنا استعمار است، مذهب بصورت آلت دست برای رسیدن بمقاصد هیات حاکمه در آمده هیات حاکمه از مذهب بعنوان مویب سیستم اقتصادی خود استفاده مینند. اگر به بررسی بهر دایم، از تحلیل علمی همین نتایج گرفته میشود. جنیفی ۱۵ خرداد اثبات کننده این مدعاست

از آنجا که میدانیم بهترین بناها گاه برای انقلابیون روستاست و روستاییان را داخل شهر متمرکز میکنند. طرح دوم کشت و صنعت با اینهمه سلام و صلوات و تبلیغات ظاهرا برای توسعه کشاورزی ریخته شده بود ولی در واقع بمنظور فروختن زمین به قیمت ارزان به مالکین بزرگ مغارچیان و بخصوص امریکائی‌هاست. در اطراف رضاشاه دهکده آبادی بود که اکنون فقط ۴ خانوار دارد. زمینهای زیر سد دز خوزستان را در اختیار «ایسران - کالیفرنیا - شل» و شرکت «ام - ساج» گذاشته‌اند. در سال گذشته هاشم نراقی از یک نوع سبزی ملیونها تومان سود برده است و سهم دولت ۱٪ اجاره بها و ۲٪ مالیات بوده است. ساختن سد دز که به آوارگی عده‌ای از هموطنان ما منجر شده است یک میلیارد و نیم تومان برای کیسه ملت خرج برداشته است. طرح عمران قزوین چیرفت و کهگیلویه بظاهر برای بالا بردن سطح تولید و در واقع تاراج ایران بدست اسرائیل است. یک کارشناس اسرائیلی ماهانه ۳۵ هزار تومان میگردد. اینها وطن خلو را میفروشند یا ما؟ اینها خیانت میکنند یا ما؟ قضاوت با ملت است. مردم زور فشار اقتصادی قرار دارند. چرا نباید مردم در مقابل امپریالیسم قدرت ابتکار را بدست گیرند و چرا نباید قادر به جلوگیری از اجرای طرح موجود باشند. در قرآن آیه ای آمده است که میگوید «چرا در راه خدا و زنان و مردان و کودکان درمانده که منتهای آرزویشان رهایی از قید ستمکاران است به پیکار بر نمیخیزید؟» تاریخ نشان میدهد که از کاوه آهنگر تا کارگران چیت‌سازی بر اثر ازدیاد هوشیاری سیاسی راه خود را بهتر شناخته و بسوی انقلاب پیش میروند کما اینکه هم اکنون عده‌ای سلاح به دست گرفته‌اند. به خلیل سلمانی نژاد کارگر انقلابی درود میفرستیم. از این پس مباحث خلق و رژیم جز دریائی از هول هیچ وجود نخواهد داشت. در آخرین روزهای سال گذشته ۱۳ نفر اعدام شدند. با تجارب تاریخی ۵۰ سال اخیر هیچ راهی بجز مبارزه مسلحانه به مقصد نمیرسد. ملت از راه تجربه آموزشی شیوه‌های مختلف بدست آورده. پسران گشت

۶۵ سال از انقلاب مشروطه چه راهی بجز در دست گرفتن اسلحه باقی میماند؟ بی تردید خلق صرفاً به ندای خطیبانی گمشده مینگردد که کلاستان سربسی است. جنگ چریکی آغاز شده است. این جنگ در شهرها ادامه دارد و ایجاد پایگاه سیاسی خواهد کرد. برای جلوگیری از تلفات بیهوده، استفاده از شیوه عمل انفجاری تجویز صحیحی است، تا آنکه دشمن نابود نابود باد.

مجاهدین شهید

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه. فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا (احزاب ۲۳) . از مومنین جوان مردانی هستند که نسبت به پیمانشان با خداوند وفادار مانده اند. عده ای از آنها به پیمانشان وفا کردند و عده ای در انتظار [لحظه انجام رسالت خود و وفای بعهده‌ی که با خداوند بسته اند] بسر می‌برند. اینها هرگز پیمان شکنی نمیکنند.

- ۱ - مجاهد احمد رضایی - اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران که با اقدام جسورانه و متهورانه اش راه نوینی را در عمل پرویمان گشود. او مظهر خشم و تنفر و آشتی، نابدیری با دشمنان خلق بود.
- ۲ - مجاهد مهندس محمد حنیف نژاد بنیان گذار و رهبر مجاهدین خلق ایران که در تاریخ مبارزات انقلابی کشور ما ستاره‌ای درخشان بود و با افکار و اندیشه بیکرانیش و ایمان و صداقت خالصانه‌اش یک انقلابی ممتاز و یک مسلمان نمونه بود.
- ۳ - مجاهد مهندس علی اصغر بدیع زادگان بنیان گذار سازمان مجاهدین خلق ایران که نمونه درخشان جرات و شور انقلابی بود وی در صفوف مقدم جبهه نبرد با صهیونیسم و امپریالیسم جنگید و در روزهای خونین سینامبر همراه برادران پیکارگر دلسطینی بر علیه ارتجاع اردن بنبرد پرداخت. در موقع بازگشت با ایران او هدایای برادران فلسطینی را که مفادیری بمب و فشنگ و نیز مسلسل بود بهمراه داشت. بعد از دستگیری ساعت تمام او را روی اجاق برقی از ناحیه پشت سوزاندند ولی لب را زدنش را ننگود و بعد از ۴ ماه که مورد عمل جراحی قرار گرفت سرانجام در حالیکه رمقی بر نسیس نداشت او را کُشتند. اصغر سمبل مقاومت و رازداری خلق ماست.
- ۴ - مجاهد سعید محسن بنیان گذار سازمان مجاهدین خلق ایران، مظهر عالی صداقت و وفاقت انقلابی که با اندیشه عمیق آموزگار بزرگی برای ما بود.
- ۵ - مجاهد محمود عسکری زاده از کادر رهبری - دلاوری از توده رنجور که اسلحه و رنج و سختی خلق را در شان اینها بیان می‌کند در راه آزادی طبقه کارگر

- ۶ - مجاهد مهندس رسول مشکین فام از کادر رهبری که با نام مستعار شهید حسن سلامه قهرمان فلسطینی در روزهای خونین سپتامبر در کنار برادران پیکارگر فلسطینی بر علیه صهیونیسم و ارتجاع و امپریالیسم مردانه جنگید.
- ۷ - مجاهد مهندس ناصر صادق از کادر رهبری مدلاوری که يك لحظه در نبرد با دشمن آرام نداشت هیچکس ناصر را آرام و ساکت ندید.
- ۸ - مجاهد مهندس علی باکری از کادر رهبری که مدت یکسال از جمله در روزهای خونین سپتامبر در کنار برادران فلسطینی مردانه جنگید و با دانش وسیعی در زمینه مواد انفجاری و استعداد سرشار در حربه های نابود کننده ای در اختیار ما و برادران گذاشت.
- ۹ - مجاهد مهندس علی مبین دوست از کادر رهبری که در بیدادگاه شاه گفت اگر هم اکنون مسلسل بدست داشتیم همه شما را برگبار می بستیم . علی برای همه ما برادری صمیمی و صديق بود.
- ۱۰ - مجاهد محمد بازرگانی از کادر رهبری مظهر صداقت و صفا و سرباز صمیمی میدان پیکار که همواره از شور انقلابی لبریز بود.
- ۱۱ - مجاهد مهندس علی اصغر منتظر حقیقی که طی دو مرحله درگیری در خیابان پناهپور و میدان خراسان با کشتن دو مزدور کثیف شاه در حالی که دوزخ مهلك گلوله بر تن داشت و بیجان بر زمین افتاده بود او را از ناحیه پا برگبار گلوله بستند . او کسه متخصی مواد انفجاری بود از خود تجارب و ساخته های دیقیمتی برای انقلاب بجا گذاشت
- ۱۲ - مجاهد حبیب اله رهبری که در صفا و پاکی و استواری در نبرد نمونه ای درخشان بود . ده سال از ۲۵ سال زندگی انقلابی در پیکار گذشت .

درود بر همه شهیدان خلق از گروه بیشتاز " چریکهای فدایی خلق " نخستین حماسه آفرینان انقلاب مسلحانه خلق ایران که با خون پاکشان آنقدر به نهال انقلاب نوشاندند تا بارور شد . درود بر همه شهیدان گروه " آرمان خلق " مظاهر صداقت و تهور . درود بر همه شهیدان نهضت ملی ایران ، پیشگامان مبارزه با استعمار و ارتجاع در خاور میانه .

بخون آنان همگی سوگند یاد میکنیم که انتقام خون پاکشان را از قاتلین ردلو حیوان مفتشان خواهیم گرفت . جاویدان باد خاطره شهیدان قهرمان و حماسه آفرین ایران پیروز باد مبارزه مسلحانه خلق . مستحکم باد وحدت انقلابی پیکار گران .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



اصغر بدیع زادگان



سعید محسن



محمد حنیف نواز



محمود عسکری زاده



رسول مشکین فام



علی باکری

بها معادل ۱۲ ریال

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

جانبداران اصل عبودیت نه فاع و وظیفه خود یافتند که مدافعان زندانیان
سیاسی را بتدریج چاپ و منتشر سازند . مدافعان شهدا اعضا " سازمان
مجاهدین خلق ایران بر اساس این خطه و ربط تکثیر میشوند